

Explaining the Effect of Ethnicity on Place Attachment in Multi-ethnic Cities
Case Study: District One and Two of Zahedan City

Shahbazi, Amirhamzeh

Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Sistan and Baluchestan,
Iran

Abstract

Problem statement: place attachment is an important factor in individual identity, social capital, participation and readiness of citizens to sacrifice for the development and improvement of their neighborhood and the city. Hence, the lack or weakness of place attachment is a known as an obvious challenge. The purpose of this study is to test the relationship between the element of ethnicity of citizens with attachment index to their neighborhood. Research method: This study is applied in terms of purpose, descriptive-analytic in terms of method, and survey regarding data collection method. Data collection tool is a researcher-made questionnaire by two-stage random sampling method. the sample size was 380 units in 5 neighborhoods in Zahedan. The analysis models are: ANOVA, Chi-square, single-sample T, independent samples T. But, for Post hoc test, the Summers D, Kendall Tao B, Kendall Tao C, and Lambda models were also used. The validity was confirmed by professional experts and the reliability of the research was 0.85 with Cronbach's alpha. The findings of the research show that, first, the spatial attachment index of Zahedan citizens is significantly lower than the average. Secondly, there was no significant relationship between the element of ethnicity and their place attachment index. Meanwhile, the spatial quality index of the neighborhood has a significant relationship with place attachment. Also, the level of citizen's place attachment is significantly related to the index of urban services. Because, unlike common belief, the homogeneity of the ethnicity does not create a place attachment; instead, the quality of the neighborhood and the level of service create a place attachment. Research innovation is that so far in Iran, the connection between the index of place attachment to the element of ethnicity of citizens has not been explained.

Keywords: Multi-ethnic City, Place Attachment, Neighborhood, Zahedan, Ethnicity.

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)
سال نهم، شماره چهارم، (پیاپی ۳۵)، زمستان ۱۳۹۸
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۸/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۰
صص: ۱۶- ۱

تبیین اثر قومیت بر دلبستگی مکانی در شهرهای چند قومی پژوهش موردی: مناطق یک و دو شهر زاهدان

امیرحمزه شهبازی،^{*۱}

۱- استادیار، هیات علمی رسمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

دلبستگی مکانی از شالوده‌های هویت فردی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و آمادگی شهروندان برای فداکاری به منظور توسعه و ارتقای مکان و محله است؛ به این اعتبار، نبود یا ضعف دلبستگی مکانی، آسیب و چالشی آشکار تلقی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، آزمون ارتباط میان عنصر قومیت شهروندان با شاخص دلبستگی مکانی آنها به محله اقامتشان است.

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بسته پژوهشگر ساخته است که با نمونه‌گیری تصادفی دومرحله‌ای و با حجم نمونه ۳۸۰ واحد در ۵ محدوده زاهدان انجام شد. مدل‌های تحلیل عبارت‌اند از: ANOVA، کای دو، T تک‌نمونه‌ای، T نمونه‌های مستقل، و برای آزمون تکمیلی، مدل‌های کندهال تائو b، کندهال تائو c، سامرز d و لامبدا به کار رفت. روایی ابزار با نظر استادان خبره و پایایی پژوهش با آلفای کرونباخ (۰/۸۵) تأیید شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شاخص دلبستگی مکانی شهروندان زاهدان به گونه معناداری کمتر از حد متوسط است. همچنین برخلاف فرضیه پژوهش، ارتباط معناداری میان عنصر قومیت شهروندان با شاخص دلبستگی مکانی آنها دیده نشد؛ این در حالی است که شاخص میزان دلبستگی مکانی شهروندان با شاخص مرغوبیت فضایی محله ارتباطی معنادار دارد. میزان دلبستگی مکانی شهروندان نیز به گونه‌ای معنادار با شاخص میزان خدمات شهری محله مرتبط است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای هویت فردی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و آمادگی شهروندان برای توسعه محله‌ای، میزان دلبستگی مکانی آنها ارتقا یابد. برای ارتقای دلبستگی مکانی شهروندان، ارتقای خدمات شهری در سطح محله اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا برخلاف تصور عام همگنی ناشی از عنصر قومیت سبب دلبستگی مکانی نمی‌شود؛ بلکه مرغوبیت فضایی محله و سطح خدمات آن دلبستگی مکانی را ایجاد می‌کند و تعمیق می‌بخشد.

نوآوری پژوهش در این است که تاکنون در ایران ارتباط شاخص دلبستگی مکانی با عنصر قومیت شهروندان بررسی و تبیین نشده است.

واژگان کلیدی: چند قومی، دلبستگی مکانی، محله، زاهدان، قومیت

مقدمه

بیان مسئله

دلبستگی مکانی و تعصب به مکان، ویژگی مشترک انسان و بعضی جانوران است. مؤلفه دلبستگی به مکان نقش بسیار مهمی در ایجاد و ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری و خودیاری شهروندان در زندگی شهری دارد و شیوه کارآمدتری در زمینه مشارکت شهروندان، نظارت و حل مسائل اجتماعی فراهم می‌کند و نبود آن قطعاً آسیب‌زا است (Scannell and Gifford, 2010: 256, Comstock et al., 2010: 435).

بررسی آغازین و مطالعات اکتشافی حاکی است؛ اساساً شهر زاهدان به دلایل متعدد با کمبود حس تعلق به مکان، ناهمگنی فضایی در دسترسی به خدمات شهری (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۴) و محدودیت مشارکت شهروندان در زمینه ارتقای زندگی شهری مواجه است. بدنه کارشناسی و متخصصان شهری و همچنین شهروندان خواهان تراز بالاتری از زندگی شهری، از این وضعیت ناخرسند و در پی بررسی، چاره‌جویی و برنامه‌ریزی‌اند. این مشکل در ابعاد مدیریت شهری نیز خود را نشان داده است. آشکار است این نقصان در دلبستگی مکانی عملاً مدیریت و حکمرانی خوب شهری را با اختلال نسبی مواجه می‌کند. از سوی دیگر شهر زاهدان به‌منزله شهری چند قومیتی شناخته می‌شود؛ بنابراین همیشه این پرسش برای کارشناسان مطرح بوده که آیا قومیت شهروندان بر میزان دلبستگی مکانی به محله زندگی‌شان اثرگذار است یا خیر؛ از آن رو که روابط بین قومیت‌ها به یکی از دغدغه‌های بزرگ دولت‌ها تبدیل شده است (Kendall, 2010: 274). در شهرهای بی‌هویت، ساکنان تمایلی به حل مسائل آن نشان نمی‌دهند (عزیزی و ارباب، ۱۳۸۷: ۱۵۶). مطالعات اکتشافی عام در زمینه دلبستگی مکانی، مشاهده مشارکتی طولانی‌مدت پژوهشگر در محدوده مطالعاتی و مصاحبه‌های غیررسمی ساختارنیافته، آشکارا مبین فقر شاخص دلبستگی مکانی در میان شهروندان در بیشتر محلات شهر زاهدان است. با فرض بحران نسبی در شاخص دلبستگی مکانی، بی‌تردید بازتاب این پدیده سبب تضعیف آمادگی شهروندان برای مشارکت در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی شهری می‌شود و خواهد شد. بدیهی است فقر دلبستگی مکانی به ایجاد مشکلات، کمبودها، نارسایی‌ها و آسیب‌ها در مدیریت شهری و برنامه‌های توسعه و عمران شهر و اجرای طرح‌های توسعه شهری و فرهنگ شهری و مشارکت شهروندان منجر می‌شود.

این بسیار اهمیت دارد که کودکان و جوانان برای زندگی جمعی و احساس تعلق به مکان آموزش ببینند (Gorgula et al., 2017: 517). فهم مکان به احیا و نگهداری مکان‌های موجود و خلق مکان‌های جدید منجر می‌شود (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵: ۷۲). حس تعلق به مکان زمینه‌ساز هماهنگی فرد و محیط و بهره‌وری بهتر محیط است. در مکان‌هایی که از نظر اجتماعی فعال باشند، برقراری ارتباط چهره‌به‌چهره در جامعه تأثیری قوی و محکم بر شکل‌گیری هویت فرد دارد. با گسترش تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی، روابط بین گروه‌های قومی معمولاً مبتنی بر بعضی پیش‌داوری‌هاست و بر دستیابی به فرصت‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد (Tischler, 2011: 222).

زاهدان، شهری با قدمت کمتر از ۱۰۰ سال، مهاجرپذیر (از داخل و خارج از کشور) و البته ناهمسان و مشخصاً چندقومیتی است و برحسب یافته‌های میدانی و مطالعات اکتشافی با ضعف دل‌بستگی مکانی مواجه است؛ بنابراین انجام این پژوهش ضروری است.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر معطوف به چهار هدف است؛ اول، پژوهش تلاش دارد مشخص کند اساساً دل‌بستگی مکانی شهروندان محدوده مطالعاتی به محله اقامت و زندگی‌شان چقدر است؛ دوم، با توجه به اینکه زاهدان شهری چند قومیتی است، ضرورت دارد ارتباط ویژگی قومی و تأثیر عنصر قومیت شهروندان بر متغیر دل‌بستگی مکانی به محله اقامتشان مشخص شود؛ سوم، به دلیل اینکه تراز و موقعیت پنج محله مطالعه‌شده پیمایشی این پژوهش یکسان نیست، همزمان تلاش می‌شود تبیین شود بازتاب و اثر نوع محله سکونت شهروندان بر میزان دل‌بستگی مکانی‌شان به محله چقدر است؛ چهارم، از آنجا که سطح خدمات شهری در همه پنج محله یکسان نیست، بدیهی است ضرورت دارد آثار این متغیر بر احساس تعلق به مکان و محله اقامت بررسی شود؛ از این رو ارزیابی اثر متغیر خدمات شهری محله اقامت شهروندان و تعیین میزان دل‌بستگی آنها به محله در دستورکار قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

در مالزی حس تعلق به مکان در خیابان‌های قدیمی مطالعه شد. یافته‌ها نشان داد دل‌بستگی مکانی در خیابان‌های سنتی قوی و از لحاظ پایداری فعالیت‌های اقتصادی مهم بوده است (Shuhana and Norsidah, 2008: 399). حس تعلق به مکان در رابطه با پروژه‌های خانه‌سازی عمومی و تراکم‌های مختلف شهری در رایس سنگاپور مطالعه و برپایه نتایج مهم تلقی شد (Teo and huang, 1999: 307). همچنین پژوهش‌هایی درباره وابستگی به مکان و هویت مکان (Pretty et al., 2003: 273)، حس تعلق، شاخص‌های اجتماعی در اشخاص بی‌خانمان (Vandemark, 2007: 241) و پژوهش دیگری درباره موضوع حس مکان در شهرک‌های روستایی استرالیا (Pretty et al., 2003: 273) انجام گرفته است. حس تعلق به مکان حتی بر سلامتی روحی و روانی انسان نیز تأثیرگذار است (172: , Hagerty et al. 1996). کایل و همکاران (۲۰۰۵) تأثیر دل‌بستگی مکانی را بر محیط تفریحی کوهپیمایی و تناسب آن را با ادراک شرایط محیطی و اجتماعی آن محیط بررسی کرده‌اند (Kyle et al., 2005: 23). تبریزی (۱۳۸۲) در پژوهشی پروژه نواب تهران را تحلیل کرده و حس لامکانی را از الزامات فلسفه نئولیبرال و ناشی از همانندشدن جاها و مکان‌های شهری دانسته است. پژوهش میرزاپور (۱۳۸۸) در خرم‌آباد نشان داد در محلات با تعلق مکانی بیشتر، نظافت محله بیشتر است و از تجهیزات شهری بهتر محافظت شده است. امیرکافی و فتحی (۱۳۹۰) پیوندهای اجتماعی محلی را متأثر از دسترسی به امکانات، امنیت و نظم اجتماعی دانسته‌اند.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش به دلیل ماهیت کاربردی و مسئله‌گرای خود معطوف به چهار پرسش مشخص زیر است:

۱- شهروندان به محله اقامتشان دل‌بستگی مکانی مناسب و کافی دارند؟

- ۲- عنصر قومیت شهروندان بر میزان دل‌بستگی آنها به محله تأثیرگذار است؟
- ۳- نوع محله اقامت شهروندان از نظر مرغوبیت فضایی بر شاخص دل‌بستگی مکانی آنها به محله مؤثر است؟
- ۴- میزان دل‌بستگی مکانی شهروندان با سطح خدمات شهری محله آنها رابطه دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- میزان دل‌بستگی مکانی شهروندان به محله اقامتشان اساساً به‌صورتی معنادار کمتر از حد متوسط است.
- ۲- دل‌بستگی مکانی شهروندان به محله رابطه معناداری با همگنی قومیتی شهروندان در محله دارد.
- ۳- دل‌بستگی مکانی شهروندان با تراز اقتصادی، اجتماعی و محله اقامت آنها رابطه معناداری دارد.
- ۴- دل‌بستگی مکانی شهروندان، رابطه معناداری با رضایت از خدمات شهری در محله دارد.

مبانی نظری پژوهش

تعاریف و مفاهیم

مفهوم مکان: مکان در فرهنگ لغت آکسفورد به معنای محلی است که ارزش‌های انسانی بر بستر آن شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد و بار ارزشی-معنایی دارد (افشارنادری، ۱۳۷۸: ۴) و دو بعدی است؛ در حالی که فضا سه بعد دارد. نکته دیگر اینکه مکان بسیار آسان‌تر از فضا مرزپذیر است (هویداپور، ۱۳۹۰: ۴).

مفهوم حس تعلق به مکان: هم‌پیوندی و احساسی خوشایند بین افراد و مکانی خاص است که افراد تمایل به حفظ فیزیکی آن مکان را درک می‌کنند (Hidalgo, 2002: 273; Relph, 1976: 29). رلف مکان را ترکیبی از جا، منظر، آیین، مسیر، افراد دیگر و تجربه شخصی می‌داند. شخصی شدن و از خود پنداشتن اشیا، فضا و افراد، احساس تعلق را به وجود می‌آورد (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۹۰).

گیدنز^۱ هویت را همان چیزی می‌داند که فرد به آن آگاهی دارد؛ نه اینکه در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۱). دل‌بستگی مکانی^۲، مفهومی چندبعدی و بین رشته‌ای است و توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف را به خود جلب کرده است.

مفهوم قومیت: در گذشته مشخصات خونی و نژادی نیز جزو پیوندهای قومی محسوب می‌شدند؛ اما امروزه به دنبال درهم آمیختگی ملت‌ها این گونه تعبیر نمی‌شود (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). هویت قومی به سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی گفته می‌شود که یک قوم را متمایز می‌کند.

نظریه‌ها و دیدگاهها

دل‌بستگی مکانی یا احساس تعلق به مکان را شامای شموئل^۳ (۱۹۹۱) در طیفی هفتگانه معرفی می‌کند که به ترتیب عبارت‌اند از: الف- حس بی تفاوتی به مکان؛ ب- آگاهی از قرارگیری در یک مکان؛ ج- تعلق به مکان؛ د-

¹- Giddens

²- Place attachment

³- Shamai shmuel

دلبستگی به مکان؛ ه- یکی شدن با اهداف مکان؛ و- حضور در مکان؛ ز- فداکاری برای مکان؛ بنابراین از یک برخورد عادی و توأم با نبود احساس تا آمادگی فداکاری برای مکان را دربرمی گیرد. تلقی پدیدارشناسان از حس تعلق به مکان مبتنی بر پیوستگی قوی میان افراد و مکان است که ریشه در ادراک و تجربه فرد دارد و در گذر زمان تحکیم و تعمیق بیشتری می یابد.

روان شناسان محیطی در زمینه حس تعلق به مکان، واژه های متعددی چون دلبستگی به مکان، اولویت دهی به مکان، هویت مکان و ... را در نظر می گیرند (Hidalgo & hernands, 2002: 275). نظریه پردازان رابطه انسان و محیط را با چند رویکرد بررسی می کنند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۰) که عبارت اند از: رویکرد شناختی (رابطه میزان شناخت و ادراک معنادار از محیط)، رویکرد اجتماعی (رابطه میزان تعامل اجتماعی در محیط) و رویکرد احساسی (رابطه میزان ارتباط عمیق، عاطفی و ادراک احساسی افراد از محیط).

سر مست و متوسلی (۱۳۹۳) مکان را فضایی می دانند که واجد معنا باشد و به صورت «مکان = فضا + معنی» نیز بیان می شود (Harrison & Dourish, 1996: 67) که ممکن است هر سطحی از فضا مانند اتاق، واحد همسایگی، محله، ناحیه، شهر، کشور یا به طور طبیعی همه اینها را دربرگیرد (Iewicka, 2010: 35).

در مقاله ای در دست انتشار، بازتاب دلبستگی مکانی ساکنان شهر پکن بر تمایل به ارتقای زیست محیطی بررسی و ارتباط میان این دو تأیید شد (Song and Soopramanien, 2018: 112).

یافته های دانشگاه کوئینزلند و استرالیای جنوبی به یک مدل پنج بعدی دلبستگی مکان متشکل از هویت مکانی، وابستگی، پیوند با طبیعت، پیوند خانوادگی و پیوند دوستی معتبر و قابل اعتماد اشاره دارد (et al., 2010: 422). (Raymond Scannell and)

مزایای دلبستگی مکانی در یک پژوهش روان شناسی تجربی در دانشگاه ویکتوریای کانادا (Scannell and Gifford, 2010: 256) در قالب سیزده دسته مشتمل بر خاطرات، تعلق، آرامش، احساسات مثبت، حمایت از فعالیت، امنیت و آسایش، رشد شخصی، آزادی، سرگرمی، ارتباط با طبیعت، مزایای عملی، حریم خصوصی و زیبایی شناسی و تنوع بررسی شد.

نتیجه پژوهش درباره دلبستگی مکانی و ارزش های مکان در کوآلامپور نشان داد زمینه های قومی، اقتصادی و اجتماعی بر دلبستگی مکانی مؤثر است (Ujang and Zakariya, 2014: 24). رابطه معنادار میان عامل تغییرات برای بهینه سازی محیط از یک سو و ارتقای میزان دلبستگی مکانی از سوی دیگر آزمون و تأیید شده است (Wirth et al., 2016: 67).

پژوهشی درباره ناهمگونی قومی، سرمایه اجتماعی و پریشانی روان شناختی در استکهلم انجام شد (Johnson et al., 2018: 70). نتایج این پژوهش به وضوح نشان داد قومیت یا سرمایه اجتماعی و زمینه های اقتصادی و اجتماعی افراد هر قوم، اثر بیشتری بر ریسک ابتلا به پریشانی اجتماعی دارد؛ به علاوه دلبستگی مکانی از صفاتی چون کیفیت محیط، ارزش های فرهنگی، تحرک، اوقات فراغت و سابقه اقامت هم متأثر می شود (Beery & Jonsson, 2017: 54)؛ همچنین این شاخص از دو بعد وابستگی و هویت مکان تشکیل می شود (Anton & Lawrence, 2016: 61).

ضمناً در شرایطی که شهروندان به مکانی دلبستگی دارند، هرگونه دخالت و تغییر نپذیرفتنی بالقوه سبب بازتاب منفی اجتماعی و روحی می‌شود (Cheng & Chou, 2015: 56) و در پی آن مشخصاً دلبستگی مکانی و فرایند آن را متأثر می‌کند (Devine- Wright, 2013: 61)؛ بنابراین مکانیزم مواجهه افراد در طیفی از مقاومت در برابر این تغییر تا ادراک و یافتن معانی و مفاهیم دوباره برای حفظ دلبستگی و کاهش تهدید اختلالات بروز می‌کند (Anton & Lawrence, 2016: 154). برخلاف محدودیت ادبیات کافی در این زمینه، اشاره به پیامدهای اقلیمی و اثر آن بر تعلق به مکان، مثالی مناسب است (Hess et al., 2008: 468). انطباق تبدیل‌شونده^۱ به گونه‌ی فزاینده‌ای به‌منزله رویکرد مقابله با تحولات اقلیمی از جانب برخی متخصصان پیشنهاد شده است (O'Brien, 2016: 618).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به‌لحاظ هدف، کاربردی و به‌لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، جمعیت ۱۵ساله و بیشتر محدوده مطالعاتی هستند که برمبنای حجم نمونه ۳۸۰ واحد است (از ۴۰۰ پرسش‌نامه به کار گرفته شده، حدود ۳۸۰ پرسش‌نامه صحیح فراهم شد). روش و ابزار گردآوری اطلاعات، پیمایشی است و از ابزار پرسش‌نامه بسته پژوهشگر ساخته استفاده شده است. انواع شاخص‌های پژوهش در قالب پرسش‌نامه شامل ۴ بخش است؛ الف- سیزده پرسش زمینه‌ای مانند جنسیت، قومیت، تحصیلات؛ ب- پنج گویه رفتاری مانند میزان حضور در فضاهای عمومی محله، دفعات، طول زمان و دلیل حضور؛ ج- ده گویه نگرشی و اعتقادی مانند احساس تعلق، افتخار، خاطرات خوش، خودمانی‌بودن، اعتماد، حس دلتنگی از دوری، صمیمیت، امنیت و آرامش نسبت به محله؛ د- هشت گویه برای سنجش وضعیت خدماتی و کالبدی محله مانند پارک و میدان، حمل‌ونقل عمومی، سیستم جمع‌آوری زباله و سیستم آب‌های سطحی و فاضلاب و فضاها و ساختمان‌های زیبا با نمای جذاب.

قلمرو پژوهش و روش تعیین نمونه‌ها

قلمرو پژوهش شامل محدوده‌های مشخصی از منطقه پنج و یک شهرداری زاهدان برمبنای هدف و فرضیه‌های پژوهش (محدوده زیباشهر، جام جم، مصطفی خمینی، چهارراه رسولی) و همچنین محدوده دانشگاه از منطقه یک شهرداری (محله دانشگاه) است (جمعاً پنج محدوده شامل خیابان‌های متعدد در هر محدوده). نمونه‌گیری دو مرحله بود؛ در مرحله اول با استفاده از دیدگاه خبرگان شهری و شهرسازی و اشراف کامل آنها بر پهنه‌بندی اقتصادی، اجتماعی و فضایی شهر زاهدان، تعداد پنج محدوده به‌مثابه پنج خوشه انتخاب شد که برحسب مرغوبیت فضایی و تراز اجتماعی و اقتصادی عبارت‌اند از: ۱- محدوده دانشگاه (بلوار دانشگاه، بلوار بزرگمهر و اوایل بلوار معلم)؛ ۲- محدوده زیباشهر (خیابان‌های پیروزی، بشارت، صدرا، بهارستان، نصر، البرز)؛ ۳- محدوده خیابان مصطفی خمینی و امام خمینی؛ ۴- محدوده اطراف چهارراه رسولی و خیابان چمران؛ ۵- محدوده کریم‌آباد و جام جم (کریم‌آباد، جام جم ۲۲، جام جم ۲۷ و جام جم ۵۰). به این ترتیب رده اول و بالاترین تراز مرغوبیت فضایی، محدوده دانشگاه و رده پنج آخرین تراز مرغوبیت فضایی، محدوده کریم‌آباد است؛ اما در مرحله دوم

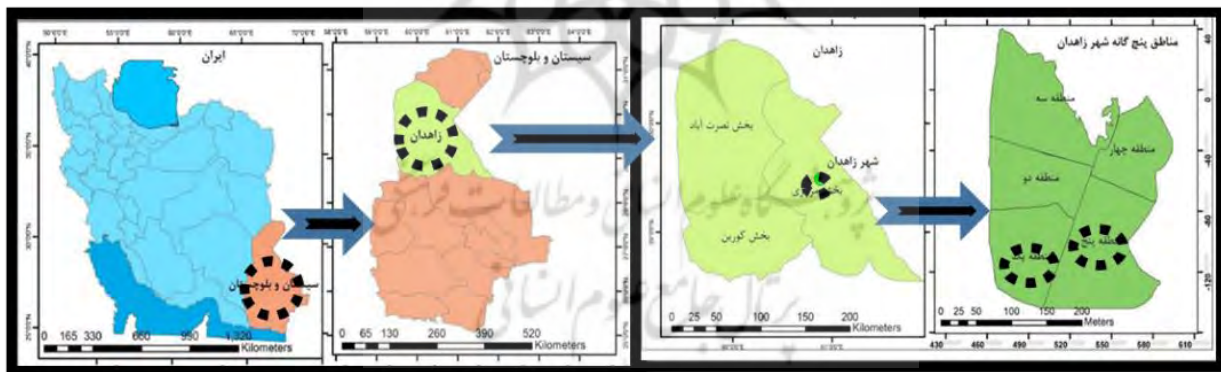
¹ - Transformative adaptation

نمونه‌گیری، از هر یک از خوشه‌ها یعنی محدوده‌های پنجگانه بالا بیش از حدود ۷۰ تا ۸۰ نمونه انتخاب شد؛ یعنی از حدود ۴۰۰ نمونه به روش نمونه‌برداری تصادفی ساده اطلاعات گردآوری شد. روش دسترسی به نمونه‌ها عبارت بود از انتخاب تصادفی واحدهای آماری که با مراجعه به در منازل نمونه در هر یک از محدوده‌های پنجگانه یادشده همراه بود.

روش‌های مناسب برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تابع ضرورت‌های پژوهش و مقیاس داده‌هاست. داده‌های پیمایشی پژوهش در طیفی از داده‌های دارای مقیاس اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبی است. بدیهی است استنباط آماری باید با توجه به فرضیه‌ها و متغیرهای مربوط با مدل پارامتری یا ناپارامتری مناسب انجام شود. مشکل زمانی بیشتر می‌شود که متغیرهای یک فرضیه دو نوع مقیاس متفاوت داشته باشند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات با کمک نرم‌افزار **spss** از مدل‌های **Anova**، **T**، **T** تک‌نمونه‌ای، مدل کای دو، **T** نمونه‌های مستقل و تست لوین استفاده شد؛ همچنین برای اعتبار بیشتر و بر مبنای بعضی مفروضات در زمینه مقیاس داده‌های آماری مدل‌های **d**، **b**، **c** کندال تائو و لامبدا به کار رفت.

معرفی محدوده پژوهش

شهر زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان، پیشینه‌ای حدوداً صدساله دارد (ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاد، ۱۳۹۲: ۷). این شهر در سال ۱۳۹۵، ۵۸۷۷۳۰ نفر جمعیت داشته (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و شامل ۵ منطقه، ۵۵ ناحیه و ۱۱۰ محله است.



شکل ۱- موقعیت محدوده مطالعاتی در محدوده شهر زاهدان، شهرستان زاهدان، استان سیستان و بلوچستان، کشور ایران
منبع: سازمان نقشه‌برداری، استانداری استان ۱۳۹۷

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

برای اجتناب از طولانی شدن بحث و با توجه به درج نتایج محاسبات در جدول یک، به بیان فراوانی و فراوانی نسبی اکتفا می‌شود. ترکیب قومی نمونه‌های پژوهش شامل حدود ۵۱ درصد فارس، ۴۴/۵ درصد بلوچ و ۴/۵ درصد سایر (افغان، ترک و ...) است. همچنین ترکیب جنسی نمونه‌ها در برگیرنده ۵۸ درصد مرد و ۴۲ درصد زن است.

وضعیت سواد نمونه‌ها نشان می‌دهد حدود ۵/۸ درصد نمونه‌ها بی‌سواد، ۳۹ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و بیشتر و بقیه در سطح باسواد تا دیپلم بوده‌اند. ضمناً حدود ۵۸ درصد نمونه‌ها متأهل و بیش از ۴۲ درصد نمونه‌ها مجرد بوده‌اند. وضعیت اشتغال نمونه‌ها حاکی است حدود ۶۱ درصد نمونه‌ها شاغل و همچنین بیش از ۴۴ درصد نمونه‌ها مالک مسکن خود بوده‌اند.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی جامعه نمونه (در ۹ زمینه) شامل فراوانی و درصد از ۳۸۰ نمونه

قومیت	تعداد	درصد	جنسیت	تعداد	درصد	تأهل	تعداد	درصد	مالکیت	تعداد	درصد
فارس	۱۹۴	۵۱	مرد	۲۱۸	۵۸	متأهل	۲۲۲	۵۸	مالک	۱۶۷	۴۴
بلوچ	۱۷۰	۴۴/۵	زن	۱۶۲	۴۲	مجرد	۱۵۷	۴۲	مستأجر	۱۷۶	۴۶
سایر	۱۷	۴/۵	جمع	۳۸۰	۱۰۰	جمع	۳۸۰	۱۰۰	سایر	۳۷	۱۰
اشتغال	تعداد	درصد	سکونت	تعداد	درصد	فرزند	تعداد	درصد	تحصیلات	تعداد	درصد
آزاد	۲۰۶	۵۴	ویلاهی	۲۱۳	۵۶	هیچ	۱۸۸	۵۰	بی‌سواد	۲۲	۵/۸
دولتی	۲۵	۶/۶	آپارتمانی	۱۴۶	۳۸	یک	۷۰	۱۸	ابتدایی	۲۹	۷/۶
شرکت	۱۸	۴/۷	سایر	۲۱	۰/۶	دو	۵۸	۱۵	راهنمایی	۷۵	۱۹/۷
دانشجو	۲۷	۷/۱	قشریندی	تعداد	درصد	سه	۳۱	۸	دیپلم	۱۰۶	۲۸
خانه‌دار	۴۵	۱۱/۸	بالا*	۳۵	۹/۲	چهار	۲۰	۵	کارشناسی	۱۲۴	۳۲/۶
بیکار	۲۵	۶/۶	متوسط	۲۳۸	۶۲/۱	پنج	۱۲	۳	ارشد	۲۲	۵/۸
بازنشسته	۱۰	۲/۶	پایین	۷۰	۱۸/۴	شش	۱	۰/۳	دکتری	۲	۰/۵
سایر	۲۴	۶/۳	بسیار پایین	۳۸	۱۰	جمع	۳۸۰	۱۰۰	جمع	۳۸۰	۱۰۰

منبع: برگرفته از پژوهش پیمایشی حاضر (**قشریندی اجتماعی براساس پاسخ خود نمونه‌ها ثبت شده است)

یافته‌های استنباطی

این پژوهش چهار فرضیه دارد و نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:
آزمون فرضیه اول: فرضیه اول: «شاخص دل‌بستگی مکانی در محدوده مطالعاتی پایین است».
 جامعه آماری با مدل **T** تک‌نمونه‌ای^۱ آزموده شد و یافته‌های جدول ۲ نشان‌دهنده پایین بودن شاخص دل‌بستگی مکانی است (میانگین ۲/۷۶، درجه آزادی ۳۷۹، مقدار **T** معادل ۵/۳۸- و سطح معناداری ۰/۰۰۰)؛ چون میانگین محاسبه شده کمتر از میانگین تعریف شده یعنی ۳ است، فرض صفر رد و فرض اصلی پژوهش تأیید شد.

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیه اول با مدل استنباط آماری **T** تک‌نمونه‌ای (One-Sample Statistic)

خطای استاندارد میانگین		انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	شاخص احساس تعلق به مکان	
۰/۴۵		۰/۸۷۸	۲/۷۵۷۹	۳۸۰		
فاصله اطمینان ۹۵٪		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	تی	Test Value = 3
بالا تر	پایین تر					

^۱ - One-Sample T Test

شاخص کل احساس تعلق به مکان	-۵/۳۸	۳۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۲	-۰/۳۳۰۶	-۰/۱۵۳۶
----------------------------	-------	-----	-------	--------	---------	---------

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

آزمون فرضیه دوم: «عنصر قومیت شهروندان با شاخص دل‌بستگی مکانی ارتباطی معنادار دارد». بنا بر اهمیت، این فرضیه با دو مدل (مدل کای دو و مدل تی نمونه‌های مستقل) آزموده شد.

الف- آزمون فرضیه با مدل کای دو: علت انتخاب این مدل این است که متغیر قومیت مقیاس اسمی و متغیر دل‌بستگی مکانی مقیاس ترتیبی یا فاصله‌ای دارد. با توجه به جدول ۳ نتایج نشان داد کای دو معادل ۱۳/۵۲۴، درجه آزادی ۲۰ و سطح معناداری ۰/۸۵۴ است؛ بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه اصلی پژوهش، یعنی فرض ارتباط میان عنصر قومیت و شاخص دل‌بستگی مکانی رد می‌شود.

جدول ۳- آزمون فرضیه ارتباط شاخص تعلق به مکان و عنصر قومیت با مدل کای دو (Chi-Square Tests)

داده‌های معتبر	سطح معناداری دوطرفه	درجه آزادی	مقدار	Pearson Chi-Square
۳۸۰	۰/۸۵۴	۲۰	۱۳/۵۲۴ ^a	
a. 22 cells (73.3%) have expected count less than 5. The minimum expected count is .02.				

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

به دلیل اینکه در ۲۲ سلول ارقام کمتر از ۵ است، با مدل دیگری آزمون تکرار می‌شود؛ یعنی به جای آزمون کای دو از آزمون T دو گروهی مستقل استفاده می‌شود. نتایج در جدول ۴ آورده شده است.

ب- آزمون دوباره فرضیه ارتباط عنصر قومیت و شاخص دل‌بستگی مکانی: برای استفاده از مدل «تی نمونه‌های مستقل»، ضرورتاً متغیر قومیت از حالت ۵ گزینه‌ای (فارس، ترک، بلوچ، افغان و سایر) به حالت دو گزینه مجزا (بلوچ و فارس) تبدیل شد. براساس نتایج مدل در جدول ۴ سطح معناداری تست لوین ۰/۹۲۸ است؛ پس سطر اول استناد می‌شود. نتایج نشان‌دهنده سطح معناداری معادل ۰/۱۶۲ است. بنا بر این فرض صفر تأیید و فرضیه ارتباط معنادار میان عنصر قومیت و شاخص دل‌بستگی مکانی با سطح خطای ۵ درصد رد شد.

جدول ۴- آزمون رابطه شاخص دل‌بستگی به مکان و عنصر قومیت، مدل تی تست دو گروهی مستقل

Independent Samples T Test	تست لوین- آزمون مساوی نبودن واریانس ^۲	آزمون دوباره فرضیه دوم با «تی تست دو گروهی مستقل» مناسب داده‌ها با دو مقیاس متفاوت، مقیاس اسمی برای متغیر گروه‌بندی ^۳ (قومیت) و مقیاس ترتیبی، فاصله‌ای برای دل‌بستگی مکانی					
		F	سطح	T	درجه	سطح	اختلاف

^۱- Independent Samples T Test^۲- Levene's Test for Equality of Variances^۳- Grouping variable

		معنادار ی	آزادی	معناداری دو دامنه	میانگین	خطای استاندارد	پایین‌تر	بالا‌تر
شاخص تعلق به مکان	فرض واریانس برابر	۰۰۸ ۰/	۴۰۰ ۱	۰/۳۷۰	۰/۱۶۲	۰/۱۲۸	-۰/۰۵۲	۰/۳۰۷
	عدم فرض واریانس برابر		۴۰۵ ۱	۹۷۶ ۳۶۸	۰/۱۶۱	۰/۱۲۸	-۰/۰۵۱	۰/۳۰۶

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

فرضیه دوم با توجه به اینکه فرضیه شالوده‌ای پژوهش است، برای تدقیق بیشتر با مدل‌های کای دو، سامرز **d**، کندال تائو **b**، کندال تائو **c** و لامبدا هم آزموده شد.

با وجود بعضی محدودیت‌ها در پذیرش مفروضات ضروری این مدل‌ها، در هر ۵ آزمون بالا سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ یعنی به ترتیب معادل ۰/۸۵۴، ۰/۰۶۹، ۰/۰۶۹، ۰/۰۶۹ و ۰/۶۳۲ به دست آمد؛ بنابراین فرضیه صفر یا فرض «ارتباط نداشتن دو متغیر شاخص دل‌بستگی مکانی و عنصر قومیت» تأیید و فرضیه اصلی پژوهش یعنی ارتباط دو متغیر رد شد.

فرضیه سوم: «شاخص دل‌بستگی مکانی با متغیر محله سکونت شهروندان ارتباطی معنادار دارد». این فرضیه با دو روش آزموده شد؛ الف- براساس نتایج آزمون با مدل کای دو (جدول ۵)، فرضیه صفر رد شد؛ اما در ۱۸ سلول تعداد واحد آماری کمتر از ۵ است؛ بنابراین این فرضیه دوباره با مدل تحلیل واریانس یک‌طرفه آزموده می‌شود.

جدول ۵- آزمون رابطه شاخص تعلق به مکان و نوع محله با مدل کای دو

داده‌های معتبر	سطح معناداری دوطرفه	درجه آزادی	مقدار کای دو
۳۸۰	۰/۰۰۱	24	۵۰/۳۴۰ ^a

a. 18 cells (51.4%) have expected count less than 5. The minimum expected count is 0.2.

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

ب- بر مبنای نتایج مدل (ANOVA one way) تحلیل واریانس یک‌طرفه (جدول ۶) که متغیر محله به‌مثابه متغیر عامل (Factor) و متغیر دل‌بستگی مکانی به‌مثابه متغیر وابسته (dependent) است، یافته‌ها نشان می‌دهد مقدار F معادل ۳/۸۹۱، درجه آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری بیش از ۰/۰۰۴ است؛ پس فرض صفر رد و فرضیه ارتباط معنادار دو متغیر تأیید می‌شود.

جدول ۶- آزمون دوباره رابطه شاخص تعلق به مکان^۱ و متغیر محله^۲ با مدل آنالیز واریانس یک طرفه

سطح معناداری	F	مربع میانگین	درجه آزادی	جمع مربعات	(ANOVA one way)
۰/۰۰۴	۳/۸۹۱	۲/۸۹۲	۴	۱۱/۵۶۸	در میان گروهها
		۰/۷۴۳	۳۷۲	۲۷۶/۴۹۱	در داخل گروهها
			۳۷۶	۲۸۸/۰۵۸	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

آزمون فرضیه چهارم: «میان شاخص رضایت شهروندان از خدمات شهری و شاخص دلبستگی مکانی به محله، رابطه معناداری وجود دارد».

براساس نتایج آزمون در جدول ۷، ارتباط میان این دو متغیر در سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شد؛ در نتیجه فرض صفر (فرض استقلال رابطه دو متغیر) هم رد می‌شود.

جدول ۷- آزمون رابطه شاخص تعلق به مکان و شاخص رضایت از خدمات شهری با مدل کای دو

آزمون مدل کای دو	میزان تعلق به مکان	میزان رضایت از خدمات
کای دو - Chi-Square	۲۴۸/۸۹۵ ^a	۳۷۸/۷۱۸ ^b
درجه آزادی	۴	۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
a. 0 cells (0.0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 76.0.		
b. 0 cells (0.0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 75.8.		

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

در پایان بحث و آزمون فرضیات پژوهش ضروری است اشاره شود رابطه مؤلفه احساس وابستگی مکانی با متغیرهای مختلف که داده‌های آن مقیاس‌های اسمی، رتبه‌ای یا فاصله‌ای بود، مجزا از فرایند اصلی پژوهش ارزیابی شد. یافته‌ها نشان داد مؤلفه احساس دلبستگی مکانی با متغیر تحصیلات، جنسیت، اشتغال، مدت سکونت در زاهدان و محله، درآمد و قشر اجتماعی (به اظهار پاسخگو) و نوع مالکیت واحد مسکونی که هر یک به صورت مجزا با انواع مدل‌های استنباط آماری آزموده شد، ارتباط معنادار ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مؤلفه شاخص دلبستگی مکانی شهروندان به محله زندگی‌شان اهمیت زیادی دارد؛ از این رو تحلیل و تبیین، پیش‌بینی و در نهایت برنامه‌ریزی برای مداخله بسیار مهم است؛ زیرا موجب شکل‌گیری یا تقویت هویت شهروندان، تعامل اجتماعی بیشتر و بهتر، شکل‌گیری و گسترش سرمایه اجتماعی، الزام نهادینه‌شده به مسئولیت‌پذیری، میل به

۱- (متغیر وابسته و دارای مقیاس فاصله‌ای)^۱

۲- (متغیر مستقل یا عامل)^۲

ارتقای مکان، تمایل به مشارکت در مدیریت بهتر مکان، آمادگی آحاد جامعه برای از خودگذشتگی و فداکاری به منظور ارتقای مکان و در نهایت زندگی بهتر شهروندان می‌شود.

جمع‌بندی مبانی نظری حاکی است حس تعلق به مکان شامل طیفی هفتگانه (از حس بی‌تفاوتی به مکان تا استقرار در مکان، تعلق داشتن به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن و حضور تا فداکاری برای مکان) است (Shamai, 1991). این پژوهش با هدف تبیین رابطه عنصر قومیت با شاخص دلبستگی مکانی در شهر زاهدان آغاز شد. بر پایه مطالعات اکتشافی، مبانی نظری پژوهش، پرسش‌ها و اهداف پژوهش، چهار فرضیه اصلی تنظیم و با یک نمونه ۴۰۰ واحدی آزموده شد که بیش از ۳۸۰ پرسش‌نامه صحیح به دست آمد.

نتایج حاصل از کاربست مدل‌های متعدد استنباط آماری اعم از پارامتریک و ناپارامتریک، متناظر با فرضیه‌های چهارگانه به این ترتیب است: نخست، میزان دلبستگی شهروندان زاهدانی به محله زندگی‌شان در مجموع در سطح معناداری کمتر از حد انتظار است. این مسئله پیامدهای نامطلوبی برای تشکیل و تقویت هویت شهروندی، تعامل اجتماعی بیشتر، سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان به منظور توسعه و ارتقای زندگی شهری دارد و آن را دشوار می‌کند؛ دوم، دستاورد پژوهش نوعاً خاص تلقی می‌شود؛ به این اعتبار که برخلاف فرضیه پژوهش هیچ‌گونه رابطه معناداری میان عنصر قومیت شهروندان با شاخص دلبستگی مکانی‌شان وجود ندارد؛ کاربست همه مدل‌های «کای دو، تحلیل واریانس، مدل‌های سامرز d، کندال تائو b، کندال تائو c و لامبدا»، همین نبود ارتباط معنادار را تأیید کرد. این یافته، سازگاری مشخصی را با مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد؛ زیرا با نتایج پژوهشی که سال گذشته در شهر استکهلم (Johnson et al., 2018: 1) انجام و منتشر شد، همخوانی دارد؛ به این اعتبار که در پژوهش استکهلم اثبات شد زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی افراد در قیاس با شاخص قومیت افراد، اثر بیشتری بر ریسک ابتلا به پریشانی اجتماعی دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد دلبستگی مکانی شهروندان زاهدانی بیش از آنکه تابع قومیت‌شان باشد به عوامل دیگری وابسته است که در آزمون‌های بعدی امکان ردیابی دارد.

یافته‌های بعدی نشان می‌دهد دلبستگی مکانی شهروندان زاهدانی به محله‌شان، رابطه مستقیم و معناداری با وضعیت محله دارد؛ به این معنا که در محله‌های دارای جایگاه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی بیشتر مانند محدوده دانشگاه میزان دلبستگی مکانی شهروندان بیشتر است. این یافته‌ها نیز با پژوهش استکهلم همخوانی دارد (همان). به این ترتیب احساس دلبستگی مکانی یا بالعکس و بروز تنش و پریشانی، عمدتاً معطوف به جایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد و نیز محله زندگی آنان است.

یافته آخر پژوهش نشان می‌دهد میزان دلبستگی مکانی شهروندان در هر محدوده به صورت معناداری تابع شاخص برخورداری محله از خدمات شهری است؛ این در حالی است که جمعیت زاهدان، شهری با قدمت کمتر از یک قرن، در فاصله ۶۰ ساله (۱۳۳۵-۱۳۹۵) حدود ۳۴ برابر شده است؛ حال آنکه در همین بازه زمانی جمعیت شهری کشور حدود ۱۰ برابر شده است. در تحلیل نتایج پژوهش شاید اشاره به نوپا بودن شهر زاهدان و این پوست‌اندازی شگفت‌انگیز به لحاظ حجم جمعیت و نوپا بودن محله‌های شهری زاهدان، نبود محله‌هایی با چند قرن قدمت و محله‌هایی با چندین نسل سابقه اقامت، ورود مهاجران از استان‌ها و شهرستان‌های مختلف با زمینه‌هایی

بسیار نامتجانس و نیز ورود مهاجران خارجی از افغانستان، موجه و مقبول باشد؛ کما اینکه در شهر زاهدان محله‌هایی با مرز و مرکزیت فیزیکی و اعتباری تاریخی دیده نمی‌شود؛ همچنین آثار یادمانی و المان‌های هویت‌بخش و تقویت‌کننده هویت مکانی در آن دیده نمی‌شود؛ به‌ویژه که شهر زاهدان در برهه‌ای از زمان ایجاد شده و گسترش یافته که اساساً سکون و ثبات کالبدی و فضایی که لازمه شکل‌گیری نسبی هویت و تعلق است، در معرض ضربات ناشی از ورود عناصر عمدتاً به‌هم‌ریخته مدرنیته فرصت بروز نیافته است. شاید هم به همین دلیل نتایج پژوهش بین طول مدت اقامت و دلبستگی مکانی شهروندان به ارتباط معناداری دست نیافت.

یافته‌های پژوهش آشکارا مسئولیت مدیران شهری را برای ایجاد و توسعه آستانه‌های مناسبی از خدمات شهری به‌منظور جلب مشارکت و همراهی شهروندان گوشزد می‌کند. این یافته‌ها، پیامی راهبردی به مدیران شهری است که برای هویت‌بخشی به شهروندان، تقویت سرمایه اجتماعی، جلب مشارکت شهروندان و آمادگی آنها برای فداکاری به‌منظور توسعه شهر، باید دلبستگی مکانی شهروندان ارتقا یابد و برای ارتقای دلبستگی مکانی شهروندان ضرورتاً ارتقای خدمات شهری اجتناب‌ناپذیر است.

منابع

- ۱- ابراهیم‌زاده، عیسی، کاظمی‌زاد، شمس‌الله، (۱۳۹۲)، *سنجش میزان رضایتمندی و تمایل شهروندان در اجرای پروژه‌های زیربنایی شهرداری (نمونه موردی: شهرداری زاهدان)*، جغرافیا و توسعه، شماره ۳۰، زاهدان، ۱-۲۲.
- ۲- ابوطالبی، احمد، (۱۳۷۸)، *حقوق اقلیت‌ها و همگرایی*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳، تهران، ۱۲۹-۱۵۴.
- ۳- افشارنادری، کامران، (۱۳۷۸)، *از کاربری تا مکان*، معمار، دوره ۲، شماره ۶، تهران، ۴-۷.
- ۴- امیرکافی، مهدی، فتحی، شکوفه، (۱۳۹۰)، *بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)*، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۱، تهران، ۵-۴۱.
- ۵- پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۹۱)، *راهنمای طراحی شهری در ایران*، انتشارات شهیدی، چاپ ششم، تهران، ۴۷۲ ص.
- ۶- تبریزی، جلال، (۱۳۸۲)، *تأثیر نوسازی شهری فن‌گرا بر ایجاد حس لامکانی (مطالعه موردی: پروژه نواب تهران)*، رساله دکتری، استاد راهنما: شکویی، حسین، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
- ۷- جوان‌فروزنده، علی، مطلبی، قاسم، (۱۳۹۰)، *مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن*، دوره ۵، شماره ۸، تهران، ۲۷-۳۷.

- ۸- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، **گفت‌وگوی بین فرهنگی و انسجام ملی**، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۳، شماره ۴، تهران، ۷۵-۸۹.
- ۹- سرمست، بهرام، متوسلی، محمدمهدی، (۱۳۹۳)، **بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)**، مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، تهران، ۱۳۳-۱۴۶.
- ۱۰- عزیزی، محمدمهدی، ارباب، پارسا، (۱۳۸۷)، **چالش هویت در شهرهای جدید**، هفت شهر، دوره ۲، شماره ۲۵ و ۲۶، تهران، ۱۴۸-۱۵۷.
- ۱۱- گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۳)، **تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ نهم، تهران، ۳۳۶ ص.
- ۱۲- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، **نتایج سرشماری نفوس و مسکن شهر زاهدان**.
- ۱۳- میرزاپور، سلیمان، (۱۳۸۸)، **مقایسه تطبیقی تعلق خاطر مکانی و تأثیرات فضایی- مکانی آن در محلات خرم‌آباد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: بزی، خدارحم، دانشگاه زابل، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
- ۱۴- میرغلامی، مرتضی، آیشم، معصومه، (۱۳۹۵)، **مدل ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی (نمونه موردی: خیابان امام ارومیه)**، مطالعات شهری، دوره ۵، شماره ۱۹، سنندج، ۶۸-۸۰.
- ۱۵- وارثی، حمیدرضا، زنگی‌آبادی، علی، یغفوری، حسین، (۱۳۸۷)، **بررسی تطبیقی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت اجتماعی (نمونه موردی: زاهدان)**، جغرافیا و توسعه، دوره ۶، شماره ۱۱، زاهدان، ۱۳۹-۱۵۶.
- ۱۶- هویداپور، هلیا، (۱۳۹۰)، **بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر پردیس)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، استاد راهنما: شیخی، محمد، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، گروه معماری و شهرسازی.
- 17- Anton, C.E., & Lawrence, C., (2016). **The relationship between place attachments: The theory of planned behavior and residents response to place change**, Journal of Environmental Psychology, 47, 145e154, <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2016.05.010>.
- 18- Beery, T., & Jonsson, K.I., (2017). **Outdoor recreation and place attachment: € Exploring the potential of outdoor recreation within a UNESCO biosphere reserve**, Journal of Outdoor Recreation and Tourism, Vol 17, Pp 54-63, <https://doi.org/10.1016/j.jort.2017.01.002>.
- 19- Cheng, Chia-Kuen., & Chou, Shu-Ffarn., (2015). **The influence of place change on place bonding: A longitudinal panel study of renovated park users**, Leisure Sciences, Vol 37 (5), Pp 391-414.
- 20- Comstock, Nicole, L. Miriam Dickinson, Julie A. Marshall, Mah-J. Soobader, Mark S. Turbin, Michad, Buchenau, and Jill S. Litt, (2010). **"Neighborhood Attachment and its**

- Correlates: Exploring. Neighborhood Conditions, Collective Efficacy and Gardening**", Journal of Environmental Psychology, Vol 30 (4), Pp 435-442, DOI: 10.1016/j.jenvp.2010.05.001.
- 21- Devine-Wright, P., (2013). **Think global, act local? The relevance of place attachments and place identities in a climate changed world**, Global Environmental Change, Vol 23 (1), Pp 61-69. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2012.08.003>.
- 22- Gorgula, Ercument, Luob, Lucy, Weic, Sitong, Peid, Charles D., (2017). **Sense of place or sense of belonging?**, Developing guidelines for human-centered outdoor spaces in China that citizens can be proud of, Urban Transitions Conference, Shanghai, September 2016, Procedia Engineering 198, Pp 517– 524.
- 23- Hagerty, Bonnie M., Williams, Coyne, Reg, A., James, C., Coyne, Early Margaret, R., (1996). **Sense of belonging and indicators of social and psychological functioning**, Archives of Psychiatric Nursing, Vol 10, Issue 4, August 1996, Pp 235-244, [https://doi.org/10.1016/S0883-9417\(96\)80029-X](https://doi.org/10.1016/S0883-9417(96)80029-X).
- 24- Harrison, Steve, & Dourish, P., (1996). **Re-place - ing space: The roles of space and place in collaborative systems**, Proceeding CSCW 96 Proceedings of the 1996 ACM conference on Computer supported cooperative work, Pp 67-76.
- 25- Hess, J.J., Malilay, J.N., & Parkinson, A.J., (2008). **Climate change: The importance of place**, American Journal of Preventive Medicine, Vol 35 (5), Pp 468e478. <https://doi.org/10.1016/j.amepre.2008.08.024>.
- 26- Hidalgo, C., Hernandez, B., (2002). **"Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions"**, Journal of Environmental Psychology, Vol 21, Pp 273-281, <https://doi.org/10.1006/jevp.2001.0221>.
- 27- Hummon, David M., (1992). **Community Attachment: Local Sentiment and Sense of Place**, In Irwin Altman and Setha M. Low (Eds.), Place Attachment, New York/ London: Plenum Press, Pp 253-278.
- 28- Johnson-Singh, Charisse M., Rostila, Mikael, Ponce de Leon, Antonio, Forsell, Yvonne, Engström, Karin, (2018). **Ethnic heterogeneity, social capital and psychological distress in Sweden**, Health & Place, Vol 52, Pp 70-84.
- 29- Kendall, D., (2010). **Sociology in our times the essentials**, United States, Wadsworth, Cengage Learning.
- 30- Kyle, G.T., Graefe, A.R., & Manning, R., (2005). **Testing the dimensionality of place Attachment in recreational settings**, Environment and Behavior, Vol 37 (2), Pp 153-177.
- 31- Lewicka, Maria, (2010). **What Makes Neighborhood Different from Home and City?**, Effects of Place Scale, on Place Attachment, Journal of Environmental Psychology, Vol 30, Pp 35-51.
- 32- O'Brien, K.L., (2016). **Climate change and social transformations: Is it time for a quantum leap?**, Wiley Interdisciplinary Reviews: Climatic Change, Vol 7, Issue 5, 618e626. <https://doi.org/10.1002/wcc.413>.
- 33- Oxford English Dictionary, The Free Encyclopedia, (accessed April 23, 2010), http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Oxford_English_Dictionary&oldid=3563696.
- 34- Pretty, Grace, Chipuer, M., Heather, M., Bramston, Bramston, (2003). **Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment**, sense of community and place dependence in relation to place identity, Journal of Environmental Psychology, Vol 23, Issue 3, Pp 273-287, [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(02\)00079-8](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(02)00079-8).

- 35- Proceedings of CSCW 96, 67-76. New York, NY: ACM. doi>10.1145/240080.240193.
- 36- Raymond, H., Christopher, M., Brown, Gregory, Weber, Delene, (2010). **The measurement of place attachment: Personal, community and environmental connections**, Journal of Environmental Psychology, Vol 30, Issue 4, Pp 422-434, <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.08.002>Get rights and content.
- 37- Relph, Edward, (1976). **"Place and Placelessness"**, London: Pion.
- 38- Scannell, Leila, Gifford, Robert, (2010). **The experienced psychological benefits of place attachment**, Journal of Environmental Psychology, Vol 51, Pp 256-269, <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2017.04.001>.
- 39- Shamai, shmuel, (1991), **"sence of Place: An Empirical measurement"**, Geoforum, Vol 22 (3), Pp 347-358.
- 40- Shuhana, Sh., Norsidah, U., (2008). **Making placees: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malasia**, Habitat international, Vol 32, Pp 399- 409.
- 41- Song, zening and Soopramanien, Didier, (2018). **Types of place attachment and pro-environmental behaviors of urban residents in Beijing**, Cities, Available online 14, August 2018, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.07.012>.
- 42- Teo, P., Hung, SH., (1999). **A sense of place in public housing a case study of pasir ris**, Singapore, Habital international, ume 20, issue2, june 1996, Pp 307-523.
- 43- Tischler, H.L., (2011). **Introduction to sociology**, United States, Wadsworth, Cengage Learning.
- 44- Trentelman, C.K., (2009) **"Place Attachment and Community Attachment: A Primer Grounded in the Lived Experience of a Community"**, journal Sociologist Society and Natural Resources, Vol 22, Pp 191-210, <https://doi.org/10.1080/08941920802191712>.
- 45- Tuan, Yi-Fu, (2001). **Space and place the perspective of Experience**, Minnesotaa: University of Minnesota press, ISBN 978-0-8166-3877-2.
- 46- Ujang, Norsidah, Zakariya, Khalilah, (2014). **Place Attachment and the Value of Place in the Life of the Users**, Asia Pacific International Conference on Environment-Behaviour Studies Sirius Business Park Berlin-yard field, Berlin, Pp 24-26 February 2014, (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/3.0/>).
- 47- Vandemark, L., (2007). **Promoting the sense of self, place, and belonging in displaced persons: the example of homelessness**, Archives of psychiatric nursing, Vol 21, issue5, october 2007, Pp 241-248.
- 48- Windsong, Elena, (2010). **"There is no Place Like Home: Complexities in Exploring Home and Place Attachment"**, The Social Science Journal, Vol 47, Pp 205-214.
- 49- Wirth, Timovon, Regameyb, AdrienneGrêt, Moser, Corinne, Stauffacher, Michael, (2016). **Exploring the influence of perceived urban change on residents place attachment**, Journal of Environmental Psychology, Vol 46, Pp 67-82.